

در سال ۱۳۸۰، که در سال ۱۳۸۰ منتشر شده است نوشتاری در چهار صفحه با نام «بررسی تعدادی از مهرهای دوره‌ی قاجار» را از نظر گذرانده باشند. البته بعید است که کتاب ماه (هنر) منابع دسته اول و دوم آن نوشتار را حذف کرده باشد، چرا که احتشامی در اثر تازه‌اش هم از آن نوشتار نه تنها نامی نبرده، بلکه به تک تک منابعی هم که مهرها را از آنها استخراج کرده اشاره‌ای نکرده است.

مؤلف کلیت اثر را در صفحه‌ی ۸ معرفی کرده‌اند: این کتاب به سه بخش تقسیم شده است: بخش اول تحت عنوان «گذری و نظری» به دلیل پرداختن به تعریف علائم و نشانه‌ها و موضوع نشانه‌شناسی در گرافیک، خود به بخش جداگانه‌ای تبدیل شده است. بخش دوم، «مهرهای نوشتاری / مهرهای طراحی شده با حروف» از میانه‌ی دوره‌ی قاجار را دربرمی‌گیرد. این بخش خود به گروه‌هایی تقسیم شده که هر یک شامل تعدادی از مهرهای طبقات مختلف جامعه هستند. گاه علاوه بر طبقه‌ی اجتماعی، ویژگی‌های طراحی و مضامین موجود در مهرها نیز در این گروه‌بندی‌ها دخیل بوده‌اند. در آغاز صفحات مربوط به مهرهای هر گروه، برخی از این ویژگی‌ها مطرح شده است.

بخش سوم، نیز دربرگیرنده‌ی «مهرهای تصویری / طراحی شده با تصاویر [انسان و حیوان و اماکن و خورشید و ماه و درخت]» است.

در این بین افرادی انگشت شمار چون رابینو و حسین مدرسی طباطبایی و سرهنگ قائم مقامی که به اهمیت مهرها پی برده بودند در حد توان، کارهایی درخور ارائه کردند. در سال‌های اخیر نیز عده‌ای ضمن ارائه آثاری جدید، کارهای جسته‌گریخته‌ی پیشینیان را گردآوری و بازبینی و مطالعات شخصی خود را هم بر آنها افزودند و در طرحی نو مقالاتی ارائه کردند. در این خصوص می‌توان از دو مقاله‌ی بسیار ارزشمند رضا فراستی، با نام «مهرهای شاهان قاجار» و «مهرهای شاهزادگان قاجار» نام برد که هر دو در سال ۱۳۸۰ در فصلنامه تاریخ معاصر ایران منتشر شده‌اند. مقاله‌ی درخوری نیز درباره‌ی مهرهای صحافان با نام «جلدسازان ماوراءالنهری از سده‌های ۱۳ و ۱۴ هجری در مجموعه‌ی نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی وزارت خارجه» وجود دارد که به کوشش فریبا افکاری در فصلنامه‌ی نامه‌ی بهارستان چاپ شده است. هم‌چنین می‌توان به مقاله‌ی «مهرهای [پادشاهان] صفویه» از صغری اسماعیلی اشاره کرد که در شماره دوم فصلنامه‌ی نامه‌ی پژوهشگاه میراث فرهنگی در بهار سال ۱۳۸۲ منتشر شد. نگارنده نیز مقاله‌ای تحت عنوان «خط و مهر امنای شرع تهران در دوره قاجار» در شماره‌ی ۴۳-۴۴ فصلنامه میراث جاویدان ارائه کرده است.



چند مهر از فتحعلی شاه قاجار سجع مهر بزرگ به این شرح است (قرار در کف شاه زمانه فتحعلی - گرفت خاتم شاهی ز قدرت ازلی) (۱۲۱۷ قمری)

۲- مهر شاه طهماسب صفوی
(الله علی المتوکل الملك الغنی العبد الطهماسب الحسيني الصفوی)

اخیراً نیز کتابی به بازار نشر عرضه شده است با موضوع مهرهای دوره‌ی قاجار در منطقه بروجرد و ثلاث (تویسرکان، نهاوند، ملایر) که از جنبه‌ی گرافیکی مورد توجه قرار گرفته است.

عنوان کتاب آقای محسن احتشامی، مهرهایی از جنس عشق است. محسن احتشامی متولد ۱۳۳۹ شمسی از نوادگان خانلر میرزا احتشام‌الدوله - عموی بزرگ ناصرالدین شاه و حاکم بروجرد در ۱۲۶۴ قمری - و فارغ‌التحصیل رشته گرافیک تا مقطع کارشناسی است که در سابقه‌ی وی ۱۲ سال تدریس، مدیر هنری چند نشریه، طراح گرافیک چندین مؤسسه و حضور در چند نمایشگاه ثبت است. اما شاید کسانی که کتاب ماه (هنر) را ورق می‌زنند در شماره‌ی ۳۷-

● مطالبی درباره‌ی هر سه بخش بخش اول:

همان گونه که گفته شد احتشامی لازم بود که در این بخش حداقل روش، منابع، اهداف و نتیجه کار را به طور مفصل ارائه می‌کرد، نه اینکه پیش‌گفتار را با این عبارات به پایان ببرد: «تحلیل و بررسی فنی مهرها به خصوص در ارتباط با هنرهای تصویری می‌تواند بسیار عمیق‌تر از این باشد و حتی برای برخی از مهرها مقاله‌ای جداگانه تنظیم شود.»
وی در صفحه‌ی ۱۳ کتاب و براساس دو مقاله‌ی قدیمی، یک مهر شاه طهماسب و یک مهر فتحعلی شاه را ناقص و ناموزون منتشر کرده است.

نظری بر مهرهای دوره قاجار

امید رضائی*

کارشناس و فهرست‌نویس اسناد



مهرهایی از جنس عشق

(نگاهی گرافیکی به مهرهای دوره‌ی قاجار)

محسن احتشامی

کتاب خورشید

مهرسازی و کاربرد مهر در دوره‌ی قاجار از جهات گوناگون از جمله شکل، اندازه، خط، رنگ جوهر استامپ، موارد استفاده و محل ضرب آن بر کاغذ متفاوت بوده است. کاربرد و کارآیی روزافزون این شیء علاوه بر آنکه در نظام دیوان سالاری منصب مہرداری و دوات‌داری را موجب شد، پیشه‌ی مهر تراشی را هم توسعه بخشید و هنرمندان خطاط و قلمزن را به خود جلب کرد.

استفاده روزافزون این شیء در گذشته که شاید بتوان آن را در جامعه‌ی امروز همسنگ شناسنامه برای هر شخص معرفی کرد از یک سو و تشابه اسامی در مشاغل مختلف از دیگر سو به یقین مهرسازان را با دشواری‌هایی مواجه می‌کرده است. در این میان اگر فرسودگی، مفقود شدن و حتی شکستن مهر و ارتقاء افراد به مناصب و مشاغل را هم در نظر بگیریم. دشواری کار حکاک‌ها بیشتر درک خواهد شد. شاید به همین دلایل مهرساز همواره قسمتی از فضای مهر را برای نقر سال ساخت مهر در نظر می‌گرفته است.

اهمیت این شیء به گونه‌ای است که فهرست‌نگاران، سند‌شناسان و نسخه‌شناسان اگر نتوانند سجع یا اثر مهر را بخوانند و صاحب اثر را تمیز دهند در کار خود درمانده و یا کاملاً راهی نافرجام پیش خواهند گرفت و در نهایت هر پژوهشگر و مورخی را هم با خود سرگردان می‌کنند.

و در صفحه ۴۷ «امامقلی ابن لطفعلی» را به غلط «لطفعلی ابن امامقلی» و در صفحه ۷۹ «محمد محمدحاجی محمدمحمد» را به غلط «حاجی و محمد» ارائه کرده است.

نکته‌ی دیگری که باید به آن اشاره کرد به کارگیری اسامی و عدد لاتین در کنار حروف عربی است که خود می‌توانست موضوع خاصی باشد. احتشامی نه تنها در تزئین مهر، حروف لاتین را مورد توجه قرار نداد. بلکه این حروف و کلمات را هم در کنار اسامی فارسی و عربی بازخوانی نکرده است. این در حالی است که برای دیگر مهرها آوانویسی آنها را هم نوشته است. این دسته از مهرها را می‌توان به صورت پراکنده در صفحات ۶۲، ۶۵، ۶۸ و ۷۱ دید.



در صفحات ۷۷ الی ۹۲ نیز مشکلات هم چنان خودنمایی می‌کنند. در مقدمه «گروه چهار»، از سجع سه مهر استفاده شده است، حال آنکه هیچ یک از آنها را در این صفحات نمی‌توان پیدا کرد. معلوم نیست چرا احتشامی از عبارات مهرهایی که شاهدهی از

آنها ارائه نشده برای اثبات حرفش استفاده کرده است.

در حداقل این صفحات اشتباهات دیگری نیز دیده می‌شود بدین قرار: در صفحه‌ی ۷۸، سجع تنها مهر این صفحه «یا الله الرحیم الغنی



عبدالواثق ابن عبدالکریم ۱۳۱۷» خوانده شده که بدون شک اشتباه است و درست آن چنین است: «الواثق بالله الغنی عبدالرحیم ابن عبدالکریم ۱۳۱۷». در صفحه‌ی ۷۹ هم با همان قاعده‌ی غلط سجع مهر چنین خوانده شده است: «یا الله محمدرفیع بن محمد مهدی الواثق الحسنی

الحسینی الجهنشاهی ۱۳۱۷» حال آنکه درست آن «الواثق بالله محمد رفیع بن محمد مهدی الحسنی الحسینی الجهنشاهی ۱۳۰۷» است.

الواثق محمد الموسوی ۱۲۸۰» خوانده‌اند که اشتباه است و به نظر درست آن باید «الواثق بالله محمد رسول الله ۱۲۸۰» باشد. در صفحه‌ی ۸۱ مهری چاپ شده که دو نوع خط دارد. این تکنیک سبب می‌شود که کلمات مرتبط با هم را بتوان تشخیص داد. این مهر را احتشامی «جلال الدین ناصرالسلام الطباطبائی ۱۳۳۵» خوانده است حال آنکه درست آن «جلال الدین الطباطبائی ناصرالاسلام ۱۳۳۵» است. در صفحه ۱۰۶ هم براساس عدم توجه به این تکنیک سجع را «محمد امین دربار همایون» بازخوانی کرده حال آنکه «امین دربار همایون، محمد» درست است.

در صفحه‌ی ۸۵ هم «یا ذوالعرش العلی نجنی بمحمد و علی» نوشته شده حال آنکه درست آن «یا ذالعرش العلی نجنی بمحمد و علی ۱۳۱۲»

را در صفحه‌ی ۱۸۱ و در لابه‌لای مطالب انگلیسی گنجانده است. گفتنی است فراستی این مهر را گزارش نکرده است.

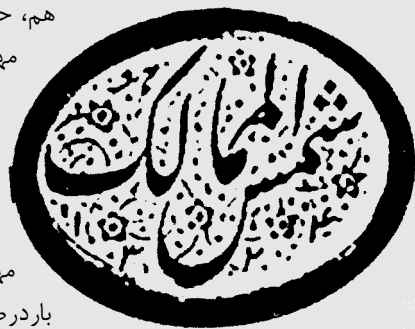


همچنین وی در صفحه ۴۳ از واژه کلی «ضرورت» استفاده کرده‌اند و نوشته‌اند: «پادشاهان،

صاحب منصبان، اشراف و نخبگان دارای چند مهر بوده‌اند که بنا به ضرورت از یکی از آنها استفاده می‌کرده‌اند» اما به نظر می‌رسد در این باره باید بگوییم: «یک شخص در دوره قاجار به دلیل دریافت منصب یا لقب جدید یا آسیب دیدگی مهر، یا مفقود شدن آن مهرش را عوض می‌کرده است». البته چنان‌که در مقاله‌ی «خط و مهر امنای شرع تهران» نشان داده‌ام فردی هم بوده است که سال‌ها از یک مهر شکسته استفاده می‌کرده است.

در عین حال احتشامی در مقدمه‌ی این بخش هم، حتی ننوشته است چند مهر از ۵۳

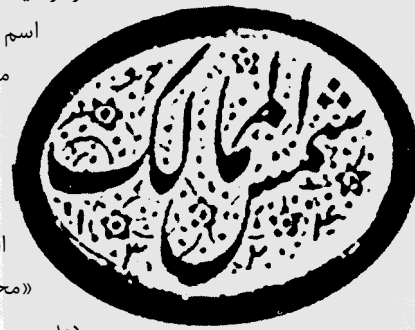
مهر این بخش متعلق به یک نفر است. حتی چندین مهر را هم که با موضوع وی رابطه دارند یا کاملاً شبیه به هم هستند جدا از هم ارائه کرده‌اند. یکی از این مهرها مهر «شمس الممالک» است که اول



بار در صفحه ۴۷ چاپ شده و سپس همان مهر را با کیفیتی پایین در صفحه ۵۲ مجدداً ارائه کرده‌اند. تنها موردی هم که در مهر تشابه لقب وجود دارد مربوط به همین «شمس الممالک» است، اما، هم خط متفاوت است هم سال ساخت. لذا ادعای ایشان دال بر اینکه رجال به ضرورت از مهرهای مختلف استفاده می‌کرده‌اند در این مورد پذیرفتنی نیست.

بی‌اعتنایی به اندازه قلم‌های مورد استفاده خطاط و حکاک در مقدمه و در توضیحات و همچنین این نکته اگر یک

اسم به صورت معکوس یا آینه‌ای در مهر طراحی شده، فقط یک بار در بازنویسی ذکر شده است. نمونه‌ای از این مهرها را می‌توان در صفحه ۴۹ به صورت «اقبال / اقبال» و در صفحه‌ی ۷۲ به صورت «محمد محمدحاجی محمد محمد»



دید.

اما اغلاط بازخوانی. در صفحه ۴۴ «محمد حسن» را به غلط «محمد حسین» و در صفحه ۴۵ «شاهزاده بزرگ» را به غلط «شاهزاده بن» و در همین صفحه «الراجی عبدالحسین ۱۳۱۰» را به غلط «عبدالراجی حسین ۱۳۱۰» و باز در همین صفحه «... حسن مآب» را به غلط «... حسن و مآب»



خالی کلمات درشت را علاوه بر اسلیمی‌ها با کلمات کوچک‌تر فضا سازی کرده‌اند تا ثبات و تعادل در کار گسترده شود. از مهر تحتانی در کار فراستی خبری نیست. و گفتنی است که در صفحات ۹۹ و ۱۰۰ و ۱۰۳ و ۱۰۷ و ۱۰۸ هم مهرهایی از این دست وجود



دارد، که از نظر گرافیکی می‌تواند موضوع قابل اعتنائی باشد.

سجع اولین مهر در صفحه ۳۱ هم یک مصرع است که احتشامی آن را به صورت بیت تنظیم کرده است. در مورد دومین مهر هم که تحت آن در کار فراستی وجود ندارد، احتشامی هم

طبق معمول سطری درباره‌ی آن ننوشته است.

با ورود به صفحه‌ی ۳۲ متوجه می‌شویم که واژه‌ی «فروزان» به غلط «فراوان» خوانده شده است.



به علاوه تقدم کلمه اول و دوم هم رعایت نشده و از سال ساخت مهر هم سخنی به میان نیامده است. از این رو چنان که فراستی نوشته صورت اصلی آن چنین است: «فروزان گوهر دریای شاهی حشمت‌الدوله».

در صفحه ۳۵ هم سال ساخت مهر «بديع السلطان» ۱۳۰۱ می‌باشد که ذکر نشده است. از طرفی معلوم نیست به کدام دلیل گرافیکی، مهر «رکن‌الدوله» در صفحه ۳۵ صفحه آرایی شده است، حال آنکه این مهر می‌بایست در صفحه ۲۹ قرار می‌گرفت چرا که هر دو را با یک قاعده ساخته‌اند.

احتشامی بدون رعایت ترتیب واژگان و ساختار چیدن کلمات در نخستین مهر صفحه‌ی ۳۹ اسم «سلطان مراد» را به آخر مصرع منتقل کرده است در حالی که همان طور که در کار فراستی هم دیده می‌شود صورت اصلی آن چنین است: «سلطان مراد گوهر دریای خسروی ۱۲۴۷». در صفحه ۴۰ با کلمات فراوان، مطالبی ارائه شده است، حال آنکه در زمان بازخوانی واژه‌ی «مه» از سجع مهر ساقط شده است. سجع این مهر باید این گونه نوشته می‌شد: «مه برج شاهی انوشیروان ۱۲۵۲». احتشامی تصویری از رقم وی را در اختیار داشته که باید از او بپرسید چرا آن

سجع مهر ۲ که به اشتباه بازخوانی شده چنین است: «الله علی المتوکل الملك الغنی العبد الطهماسب الحسینی الصفوی» در حالی که صورت درست آن این است: «المتوکل علی الله الملك الغنی العبد طهماسب الحسینی الصفوی ۱۰۶۵». است. سجع یکی از چهار مهر ردیف ۴ هم به طور ناقص این گونه بازخوانی شده است: «گرفت خاتم شاهی ز قدرت ازلی - قرار در کف شاه زمانه فتحعلی» در حالی که کامل آن چنین است: «العزة لله / گرفت خاتم شاهی ز قدرت ازلی - قرار در کف شاه زمانه فتحعلی / ۱۲۱۷».

بخش دوم:

به نظر می‌رسد احتشامی با همه علاقه‌ای که نسبت به مهرها ابراز کرده است اطلاعی از مقاله‌ی فراستی نداشته است. در واقع بی‌توجهی به تحقیقات اخیر سبب شده تا او نقش و اثر چند مهر را، هم غلط بخواند و هم خارج از قاعده‌ی

مهر تراشی و عروض بازخوانی نماید. احتشامی هم چنین در مقدمه‌ی این بخش به تعداد مهرهایی که ارائه شده‌اند در این قسمت اشاره نمی‌کند. در بخش ۲، بیست و هفت مهر با کیفیتی خوب ارائه شده. که البته با تعدادی از آنها قبلاً آشنا شده بودیم، اما راجع به صاحب آنها حتی معرفی کوتاهی هم نیامده است.

در صفحه ۲۸ دو مهر چاپ شده که هر دو قابل بحث‌اند: در اولین مهر تقدم و تأخر دو واژه‌ی «یگانه» و «گوهر» رعایت نشده و در نتیجه از وزن عروضی خارج شده است. این مهر را فراستی، به درستی چنین خوانده است: «یگانه گوهر دریای خسروی بهمن».

دومین مهر را احتشامی این گونه بازخوانی کرده: «مخزن در دری خانلر شه عباس بود».

دقت در تصویر سجع مهر فقط می‌توان دو بار حرف «د» را دید حال آنکه احتشامی در نگارش اثر مهر سه بار حرف مذکور را به کار برده است. فراستی هم که تصویر کاملی از مهر نداشته چنین نوشته است: «[- -] بود عباس شه خانلر». در حالی که خانلر میرزا احتشام‌الدوله فرزند عباس میرزا است بنابراین سجع را باید چنین خواند: «دری ز مخزن عباس شه بود، خانلر ۱۲۵۱».

اما در صفحه ۲۹ دو مهر ارائه شده‌اند که از نظر بصری و به تعبیر کتاب، گرافیکی قابل توجه‌اند ولی احتشامی به این نکته اشاره‌ای نکرده است. خطاط، کلمات را با دو قلم درشت و ریز در قالب خط نستعلیق پیاده کرده و حکاک هم به کمال آنها را نقر کرده است. به عبارتی در این دو مهر فضای



صفحه ۱۲۲ هم یکی از مهرها «فتح علی جان» خوانده شده در حالی که «صح / علی جان» است. هم چنین در صفحه ۱۲۳ «یا الله علی الله یا علی» بازخوانی شده که املائی درست آن «بالله علی، لله یا علی (۱۳۲۴)» است.

بخش سوم:

از صفحه ی ۱۲۸ الی ۱۷۲، یک صد و شانزده مهر چاپ شده است که با توجه به اینکه در بخش انگلیسی صفحه ی ۱۸۱ برگه از «لیست مواجب شش ماهه ی محلی سنه ی قوی ئیل ۱۳۳۸» چاپ شده است احتمالاً اکثریت مهرهای این صفحات از آن دفتر استخراج شده اند. در بازخوانی عبارات این مهرها که اغلب مصور نیز هستند اشتباهاتی رخ داده است. چنان که در صفحه ی ۱۳۰ «عبده حسنی» غلط، و درست آن «عبده یحیی»، در صفحه ی ۱۴۰ «عبده یا سلطان» غلط، و درست آن «عبده سلطان بایزید»، در صفحه ی ۱۵۲ «محمد» غلط، و درست آن «مختار»، در صفحه ی ۱۶۱ «به دین و نبی شیر علی» غلط، و درست آن «پیرو دین نبی، شیر علی» و در صفحه ی ۱۶۷ «عبده الراجی زین العابدین» غلط، و درست آن «عبده زین العابدین» است.

در پایان شایان ذکر است که با توجه به فضای کافی برای ارائه تصاویر، احتشامی می توانست علاوه بر تصاویر فعلی، تصویری هم از اندازه ی واقعی و اصلی هر مهر ارائه کند. به هر حال احتشامی با ارائه این مجموعه و ارائه ی تصویری کلی از تنوع مهر در دوره ی قاجار اطلاعات خوبی به دست داده و ماحصل کار صاحبان حرفه ای گمنام را به ما نشان می دهد. ان شاء الله در آثار بعدی ایشان نه فقط اثری خلاقانه و از سر عشق، بلکه تحلیل های جامع تری را نیز شاهد باشیم.

است. در صفحه ی ۸۷ هم «العبد المذنب احمد بن محمد بن طاهر الرضوی» نوشته شده که درست آن «العبد المذنب احمد بن محمد طاهر الرضوی» است. در صفحه ی ۸۸ هم آمده است: «یا الله احمد الغنی الواثق بن احمد بن جواد (۱۲۷۷)» که صورت صحیح آن «الواثق بالله

الغنی احمد بن جواد بن احمد (۱۲۷۷) است. دومین مهر این صفحه هم «لا اله الا الله الملك الحق المبين تقی» خوانده شده که باید «لا اله الا الله الملك الحق المبين محمد تقی سنه - ۱۲۷» نوشته می شد.

در صفحه ی ۹۰، اولین مهر را «قال ابی عبد الله» خوانده اند حال آنکه «قال انی عبد الله» است. مهرهای صفحه ی ۹۱ نیز دچار دخل و تصرف و آشفستگی است. چنان که «و رفعا مکانا علیا ۱۳۰۷» غلط، و درست آن «و رفعا مکاناً علیاً ۱۳۰۷» و «یا الله المحمود فی کل افعاله ۱۳۱۲» غلط، و درست آن «یا الله المحمود فی کل فعله ۱۳۱۲» و «ابوطالب ابن محمد تقی» غلط، و درست آن «محمد تقی بن ابوطالب ۱۳۳۵» و «والقاهر انه الغنی محمد علی بن علی» غلط، و درست آن احتمالاً «والفائز به الغنی محمد علی بن علی ۱۳۰۶» است. اولین مهر صفحه ی ۱۰۱ هم «معاون الامالیه» خوانده شده حال آنکه درست آن «معاون الایاله» است. در



یا الله المحمود فی کل افعاله ۱۳۱۲

Yā Allāh-o al Mahmud
fi koll-e afāleh 1312(1894)



و رفعا مکانا علیا ۱۳۰۷

Va Rafa'nā Makānā Ali-yā 1307(1889)



والقاهرانه الغنی محمد علی بن علی

Val Qāher anho al-Ghani Mohammad Ali ebn-e Ali



ابوطالب ابن محمد تقی

Abutāleb ebn-e Mohammad Taqi